

■ ■ عَيْنَ الْأَصْحٰ و الْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجَمَةِ مِنْ أَوْ إِلَى الْعَرَبِيَّةِ (٢٦ - ٣٥)

٢٦- ﴿ لَا تَهْنُوا و لَا تَحْزِنُوا و أَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ ... ﴾:

- (١) سستی مکنید و غمگین مشوید زیرا شما برتر هستید ...
 - (٢) سست مشوید و غم مخورید درحالیکه شما هستید برتران ...
 - (٣) شما را «وهن» دست ندهد و دچار حزن نشوید چه شمائید برتران ...
 - (٤) دچار «وهن» و سستی نشوید و غم مخورید چه برتر از همه شمائید ...
- ٢٧- « يُسْتَخْرَجُ زَيْتٌ خَاصٌّ مِنْ كَبِدِ الْحَوْتِ وَ هُوَ يُسْتَعْمَلُ فِي صِنَاعَةِ مَوَادِّ التَّجْمِيلِ! »:

- (١) از کبد نهنگ روغنی خاص استخراج می‌شود که در ساختن مواد آرایشی بکار می‌رود!
- (٢) روغنی خاص را از کبد نهنگ استخراج می‌کنند که در صنعت مواد زیبایی بکار می‌رود!
- (٣) این روغن مخصوص را از جگر نهنگ استخراج می‌کنند که در ساختن مواد زیبایی کاربرد دارد!
- (٤) کاربرد این روغن مخصوص که از جگر نهنگ استخراج می‌شود در صنعت مواد آرایشی می‌باشد!

٢٨- « الْغَرِيبُ فِي هَذِهِ الظَّاهِرَةِ أَنَّ الْأَسْمَاكَ مَتَعَلِّقَةٌ بِمِيَاهِ الْمَحِيطِ الْأَطْلَسِيِّ الَّذِي هُوَ أَبْعَدُ مِنْ هُنَاكَ بِمِائَتِي كِيلُومِتْرٍ! »:

- (١) عجیب است در این پدیده که ماهیان متعلق به آبهای اقیانوس اطلسی است که دویست کیلومتر دور از آنجاست!
- (٢) عجیب در این پدیده این است که ماهیها به آبهای اقیانوس اطلسی که دویست کیلومتر دورتر از آنجاست تعلق دارد!
- (٣) در این پدیده، شگفت‌آور است که این ماهیان به آبهای اقیانوس اطلسی تعلق دارند که از آنجا دویست کیلومتر دورتر است!
- (٤) در این پدیده، شگفتی در این است که این ماهیها به آبهای اقیانوس اطلس متعلقند که از آنجا دویست کیلومتر، دور می‌باشد!

٢٩- « شَجَرَاتٌ حَدِيقَتِنَا ذَاتُ غُصُونٍ نَضْرَةٌ لِأَنَّ اهْتِمَامَنَا بِشُؤْنِهَا كَثِيرٌ! »:

- (١) باغ ما درختانی دارد با شاخه‌های با طراوت زیرا به کارهای آن بسیار رسیدگی شده است!
- (٢) بخاطر رسیدگی و توجه ما به امور باغ، درختان آن دارای شاخه‌های تر و تازه‌ای شده است!
- (٣) درختان باغ ما دارای طراوت و تر و تازگی هستند زیرا اهتمام ما به کارهای آن زیاد است!
- (٤) درختان باغ ما دارای شاخه‌های تر و تازه‌ایست زیرا رسیدگی ما به کارهای آن زیاد است!

۳۰- « لهذه المحافظة عددٌ كثير من المصانع، كما لها صناعات تُصنع بيد الإنسان و قد كانت معروفة منذ القديم! »:

- ۱) این استان تعداد بسیاری کارخانه دارد، همانطور که دارای صنایعی است که بدست انسان ساخته می‌شود و از قدیم معروف بوده است!
- ۲) این استان دارای تعدادی زیاد کارخانه است، همانطور که صنایعی دارد که با دست انسان ساخته شده است و از قدیم شناخته شده بود!
- ۳) تعداد بسیاری کارخانه برای این استان است، همانگونه که دارای صنعت‌هایی است که بدست انسان ساخته شده و از زمانهای گذشته معروف شده بود!
- ۴) برای این استان تعدادی بسیار کارخانه است، همانگونه که برای آن صنعت‌هایی است که با دست انسان ساخته می‌شد و از گذشته معروف بوده است!

۳۱- « طَلَبْتُ أُمَّنَا مِنَ الْمُنْظِفِينَ أَنْ يَنْظِفُوا هَذِهِ الْعُرْفَ جَيِّدًا، فَنَنْظِفُوهَا وَ صَارَتِ الْعُرْفُ نَظِيفَةً! »:

- ۱) مادرمان از نظافت‌کنندگان خواست که آن اتاق را خوب تمیز کنند، وقتی آن را نظافت کردند، تمیز شد!
- ۲) مادر ما از نظافتچیها درخواست کرد که این اتاقها را برای اینکه تمیز شود، نظافت کنند، و اتاقها نظیف شد!
- ۳) مادرمان، از نظافتچیها خواست که این اتاقها را خوب نظافت کنند، پس آنها را نظافت کردند، و اتاقها تمیز شد!
- ۴) مادر ما از کسانی که نظافت می‌کنند درخواست کرد که این اتاق را نظافت کنند، آنها هم پس از اینکه آن را تمیز کردند، اتاق نظیف شد!

۳۲- « لَمَّا نَقَلْتُ لِصَدِيقِي الْخَبْرَ الَّذِي كُنْتُ أَسْمَعُهُ دَائِمًا، قَالَ لِي: إِنِّي كُنْتُ قَدْ سَمِعْتُ هَذَا الْخَبْرَ مَرَارًا قَبْلَ هَذَا! »:

- ۱) آنگاه که به دوستم گفتم این خبر را پیوسته می‌شنوم، او به من گفت: من همین خبر را بارها پیش از این شنیده بودم!
- ۲) وقتی خبری را که دائماً می‌شنیدم برای دوستم نقل کردم، به من گفت: من این خبر را قبل از این بارها شنیده بودم!
- ۳) هنگامی که این خبر را که مرتباً می‌شنیدم برای دوستم گفتم، او به من گفت: من نیز همین خبر را پیش از این به دفعات شنیده‌ام!
- ۴) زمانی که داشتم برای دوستم خبری را که بارها شنیده بودم نقل می‌کردم، به من گفت: من هم این خبر را قبل از این به دفعات شنیده‌ام!

۳۳- عَيْنَ الْخَطَا:

- ۱) إِنْ نَأْخُذُ مِنْ أَمْوَالِنَا تَنْقُصُ بِمَرُورِ الْأَيَّامِ،: اگر از اموالمان برداشت کنیم به مرور زمان کم می‌شود،
- ۲) وَلَكِنْ عِنْدَمَا نُعْطِي الْأَخْرِينَ مِنْ عِلْمِنَا وَ نُعَلِّمُهُمْ،: ولی هنگامی که به دیگران از علممان می‌دهیم و به آنها آموزش می‌دهیم،
- ۳) يَكْثُرُ عِلْمُنَا، لِأَنَّ فِي التَّعْلِيمِ تَكَرَّرَ الدَّرْسَ لِأَنْفُسِنَا،: علممان زیاد می‌شود، زیرا در آموزش دادن تکرار درس است برای خودمان،
- ۴) فَالْعِلْمُ أَحْسَنُ مِنَ الْمَالِ لِأَنَّهُ لَا زَوَالَ لَهُ!،: پس علم قطعاً از مال بهتر است و علم از بین نمی‌رود!

۳۴- عین الخطأ:

- (۱) رغبت في الصّدق رغبةً كثيرةً: تو به صداقت، بسیار تمايل پیدا کردی!
- (۲) يُجاهد المؤمن في الله مجاهدةً: مؤمن (و نه کس دیگر) حتماً در راه خدا تلاش می کند!
- (۳) يتوكّل صديقي على ربه توكلّ المؤمنین: دوستم بر پروردگارش توکل می کند همچون توکل مؤمنان!
- (۴) يبلغ المجتهد أماله بلوغاً، وأنا كلّ يوم أتمنّاه: انسان کوشا به آرزوهایش حتماً می رسد و من هر روز آرزوی آن را دارم!

۳۵- «برنامه ای را یافتیم که مرا در آموختن عربی کمک می کند!»:

- (۱) حصلتُ على البرنامج الذي يُساعد لي تعلّم العربية!
- (۲) رأيتُ البرنامج و هو يُساعدني لتعليم اللغة العربية!
- (۳) وجدتُ برنامجاً يُساعدني في تعلّم العربية!
- (۴) أخذتُ برنامجاً يُساعد في تعليم اللغة العربية!

■ ■ إقرأ النصّ التّالي ثمّ أجب عن الأسئلة (۳۶ - ۴۲) بما يناسب النصّ:

إنّ الميزان منذ القديم حتّى الآن وسيلة لوزن الأشياء و هو رمز للعدل و المساواة، و تُسمّى القيامة أيضاً يوم الحساب و الميزان. و قد أصبح شعاراً ترفعه المحاكم في العالم بالرغم من كونه آلة بسيطة!

إخترع الإنسان الميزان لتيسير شؤونه الاقتصادية. في البداية كانت الموازين (ج ميزان) حجرية بسيطة ثمّ توسّعت استخداماتها. فقد قام قدماء المصريين بصناعة موازين من الخشب تُعلّق في أطرافها كفتان. و للموازين أنواع متعدّدة، بعضها مدرّجة يستخدمها البقالون. و في حساب الأوزان الثقيلة نستخدم القبّان (قپان). و أخيراً يُستخدم النوع الإلكتروني منه و هو على كفة واحدة فقط!

۳۶- عین الصحيح:

- (۱) نرى الميزان الإلكتروني كثيراً في الأسواق!
- (۲) شعار المحاكم صورة الميزان و هو ليس بسيطاً!
- (۳) كان المصريون أوّل من قام بصناعة الموازين و لها كفتان!
- (۴) نستخدم القبّان للأوزان الثقيلة و له كفتان، و للموازين المدرّجة كفة واحدة!

۳۷- عین الخطأ: الدقة في الحساب ...

- (۱) سبب لصحة بيعنا و شرائنا في المجتمع!
- (۲) كانت منذ قديم الزمان حتّى الآن!
- (۳) حصولنا عليها بواسطة الوسائل الخاصة!
- (۴) لا نحصل إلا بالموازين المدرّجة الدقيقة!

۳۸- عین الخطأ: إن لم يكن الميزان ...

- (۱) يظهر الظلم و العدوان كثيراً!
- (۲) تزول سهولة البيع و الشراء بين الناس!
- (۳) تحصل للمحاكم مشاكل عديدة!
- (۴) لا نحصل على وزن الأشياء إلا بصعوبة!

۳۹- عین الأقرب لمفهوم النص:

- (۱) ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ﴾
 (۲) ﴿أَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ﴾
 (۳) ﴿اعْدِلُوا، هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى﴾
 (۴) ﴿فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ﴾

■ عین الصحيح في الإعراب و التحليل الصرفي (۴۰ - ۴۲)

۴۰- «توسّعت»:

- (۱) فعل ماضٍ - للغائبه - حروفه الأصلية « و س ع » و مصدره « توسّع » / مفعوله ضمير «ها»
 (۲) للغائبه - مزيد ثلاثي (مصدره: توسّع على وزن « تفعل ») / فعل و فاعله «استخدامات» و الجملة فعلية
 (۳) فعل ماضٍ - مزيد ثلاثي (مصدره: توسيع على وزن تفعيل) / فاعله «استخدامات» و مفعوله ضمير «ها»
 (۴) للمخاطب - حروفه الأصلية « و س ع » و وزنه « تفعل » / فعل و فاعله «استخدامات» و الجملة فعلية
 ۴۱- «يستخدم»:

- (۱) للغائب - مزيد ثلاثي (من وزن « استعمل ») / فاعله «البقالون» و مفعوله ضمير «ها» المتصل
 (۲) مضارع - للغائب - حروفه الأصلية « س خ م » و وزنه « استعمل » / فعل و مع فاعله جملة فعلية
 (۳) للغائب - مزيد ثلاثي (ماضيه: استخدم، مصدره: استخدام، على وزن « افتعل ») / فعل و فاعله «البقالون»
 (۴) فعل مضارع - مزيد ثلاثي (من وزن « افتعل » و مصدره «استخدام») / فعل و فاعله «البقالون»
 و الجملة فعلية
 ۴۲- «البقالون»:

- (۱) جمع سالم للمذكر - اسم مبالغة (للدلالة على صاحب الحرفة) - معرّف بأل / فاعل لفعل «يستخدم»
 (۲) اسم - جمع مكسر أو تكسير - اسم مبالغة (على وزن «فعال») - معرفة / فاعل لفعل «يستخدم»
 (۳) جمع سالم للمذكر - على وزن فعّال (حروفه الأصلية: ق ل و) / فاعل، و حرف النون مفتوحة دائماً
 (۴) اسم - جمع سالم للمذكر - اسم مبالغة (للدلالة على الآلة أو الوسيلة) - معرّف بأل / فاعل لفعل «يستخدم»

۴۳- عین الخطأ في ضبط حركات الكلمات:

- (۱) لَمَّا رَجَعَ النَّاسُ شَاهِدُوا أَصْنَامَهُمْ مُكْسَرَةً!
 (۲) الْكَأْسُ رُجَاجَةٌ يُشْرَبُ فِيهَا الْمَاءُ أَوْ الشَّايُّ أَوْ الْقَهْوَةُ!
 (۳) إِزْدَادَتْ هَذِهِ الْخُرَافَاتُ فِي أَدْيَانِ النَّاسِ عَلَى مَرِّ الْعُصُورِ!
 (۴) قَرَّرَ أَرْبَعَةُ طُلَّابٍ أَنْ يَغَيَّبُوا عَنِ الْإِمْتِحَانِ فَاتَّصَلُوا بِالْأَسْتَاذِ!